



مقاله ۱۷۴ - قانون فی الطب

قانون فی الطب. این کتابی از کتابهای مهم پزشکی در سده پنجم هجری نوشته حکیم ابوعلی سینا است. شرح حال نویسنده: ابوعلی حسین بن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) القاب بسیاری داشته است، از جمله شرفالملک، شیخالرئیس، حجهالحق، ابن سینا، نادر عصر و زمان، اعجوبه دهر، استادالبشر، اماما لحکماء، الحکیمالوزیر و رئیسالعلاء.

اروپاییان وی را ارسطوی اسلام و بقراط ثانی لقب داده‌اند. شهرت بوعلی در مغرب زمین بیشتر به عنوان طبیب است و در شرق در مقام حکیمی نامدار. نام وی در لاتین Avicenna است.

شرح زندگی او در منابع مهمی آمده است، از جمله: سیره شیخالرئیس، یا رساله سرگذشت از ابوعبید جوزجانی، وفیات الاعیان اثر ابن خلکان، نزهالارواح از شهرزوری، عیونالانباء فی طبقات الاطباء از ابن ابی اصیبعه، خلاصه‌ای از آثار پیش از قفطی در تاریخالحکماء، تتمه الصوان الحکمه اثر بیهقی.

پدر وی که منصبی دیوانی در بلخ داشت، در روزگار سامانیان در بخارا اقامت گزید و عامل حکومت سامانی در قریه خرمین از توابع بخارا شد. مادر بوعلی نیز به نام ستاره از روستای افشنه بود. پدرش در ۳۷۵ ق به بخارا بازگشت و بوعلی که در آن زمان پنج سال داشت تحت آموزش پدر و دیگر استادان قرار گرفت. پدر بوعلی پیرو آیین اسماعیلیه و به روایتی از داعیان هفت امامیه بوده است. توجه بوعلی به حکمت، نجوم، ریاضی، فلسفه، علم تأویل و مطالعه آثار اخوان الصفا، تحت تأثیر عقاید اسماعیلیه و پدر و دیگر همکیشان پدرش بوده است.

ابن سینا در هشت سالگی حافظ کل قرآن شد. ریاضیات را از بقالی به نام محمود سیاح آموخت. در آن زمان عبدالله ناتلی به بخارا آمده بود. ناتلی به توصیه و سفارش پدر بوعلی منطق، هندسه اقلیدسی و مجسطی را به بوعلی آموخت. استاد از هوش و توانایی شگرف کودک متحیر شد و به پدر توصیه کرد که آموزش وی را به استادان بزرگ بسپارد.

ابن سینا در نوجوانی به آموختن حکمت، طبیعیات، فلسفه و طب روی آورد. به روایتی ابوسهل مسیحی، بوعلی را در شانزده سالگی به یادگیری طب تشویق کرد و او در هجده سالگی طبیعی حاذق شد. در همان روزگار خواندن مابعدالطبیعه ارسطو را شروع کرد؛ کتابی که به اذعان خود وی، آن را چهل بار خوانده و از آن چیزی درک نکرده بود. به اصرار کتاب فروشی دوره‌گرد اغراض مابعدالطبیعه اثر فارابی را خرید و راه حل تمام مشکلات کتاب ارسطو را یافت و از همان روزگار به حکیم فارابی ارادت پیدا کرد.

شیخالرئیس در زمان حکومت نوح بن منصور سامانی به درگاه وی رفت و بیماری او را معالجه کرد. شاه بخارا وی را در انتخاب پاداش آزاد گذاشت و بوعلی استفاده از کتابخانه بزرگ بخارا را درخواست کرد. به روایت ابن سینا این کتابخانه ارزشمند به دسیسه فرزندان امیر سامانی به آتش کشیده شد. شیخالرئیس در توصیف کتابخانه بخارا بیان کرده که کتب آن میان مردم معروف و متداول نبوده است.

بوعلی سینا را اسماعیلی مشرب میدانند. پدر وی از هفت امامیان بوده و فرزندش نیز مسلک پدر را ادامه داده است. از طرفی او را شیعه دوازده امامی نیز دانسته‌اند. در آن روزگار حکومت سامانیان رو به زوال بود و محمود ترکنژاد به قدرت رسید. امیر غزنوی در دربارش بزرگترین سرایندگان و دانشمندان را جمع کرد. محمود بارها به

دنبال بوعلی جوان، پیکهایی فرستاد، اما او دعوت شاه را نپذیرفت. برخی علت این امتناع را شیعه بودنش ذکر کرده‌اند. در رسالاتی چون فی اثبات ان الشیخ الرئیس من المسلمین و من اکابر علماء الامامیه الاثنی عشریه اثر علی بن شیخ فضل الله جیلانی مؤمنی زاهدی، به ابن سینا رباعیاتی در مدح علی (ع) نسبت داده‌اند. حکیم در فصل «در باب مدبر ملت و مجتمع» از شفا به انتخاب مدبر بر پایه نص معتقد است تا اجماع، این همان دیدگاه شیعیان است.

بوعلی ۲۲ ساله بود که پدرش را از دست داد. بوعلی پس از سقوط بخارا به گرگانج (جرجانیه)، دومین شهر بزرگ خوارزم، رفت. وی از مقربان دربار ابوالعباس علی بن مأمون خوارزمشاهی شد. در آنجا با بزرگان و علمایی چون ابوالحسین سهیلی (وزیر خوارزمشاه)، ابوریحان بیرونی، ابوسهل مسیحی و ابونصر عراق همزیستی و مراوده‌های علمی و حکمی داشت. مناظره وی با بیرونی معروف است. خوارزم نیز طعمه آزمندی ترکزاده غزنوی شد. پس از آن واقعه بوعلی آنجا را ترک کرد و به نسا، ایبورد، دهستان و گرگان رفت. وی سه سال در گرگان اقامت گزید. در آن هنگام شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر زیاری در آن دیار حکومت میکرد. منوچهر، پسر قابوس، به تحریک محمود غزنوی بر پدر شورید و حکومت را از آن خود کرد. دختر محمود ترک را نیز به زنی گرفت. با نفوذ ترکان در گرگان بوعلی آنجا را نیز ترک گفت. ابوعبید جوزجانی شاگرد وفادار و دانشمند شیخ الرئیس در گرگان به وی پیوست و تا پایان عمر استاد، مرید و خدمتگذارش ماند.

شیخ پس از ترک گرگان به ری رفت. در آن کلانشهر شیعی‌نشین، بیهو فخرالدوله شیریندخت سپهبد شروین و ملقب به ام‌الملک و پسرش مجدالدوله دیلمی حکومت میکردند. سالهای اقامت بوعلی را در ری ۴۰۵ یا ۴۰۶ ق میدانند. بار دیگر هراس از هجوم غزنویان باعث شد شیخ از ری به سمت همدان حرکت کند. در همدان وزیر شمس‌الدوله دیلمی شد. پس از مرگ آل بویه به دستور جانشینش، سماءالدوله، چهار ماه به زندان فردجان واقع در فراهان افتاد. بوعلی کتابها و رساله‌های حی بن یقظان و القولنج را در آن زندان نگاشت. او پس از ترک همدان به اصفهان رفت و به خدمت علاءالدوله دیلمی پیوست. بوعلی بخشی از شفا را در آن شهر نگاشت. وی شفا را در اصفهان به پایان رساند و به امر علاءالدوله تألیف دانشنامه علایی را آغاز کرد. او در راه سفر به همدان بر اثر بیماری قولنج در همدان درگذشت. بیهقی، ابن خلدون و ابن‌العبری مدفن وی را همدان ذکر کرده‌اند. برخی مورخان مقبره وی را در محله «کون گنبد» اصفهان میدانند. بوعلی در دو هفته آخر زندگی از درمان بیماران روی گرداند و به اطعام فقیران و آزاد کردن بردگان پرداخت. وی قرآن را هر سه روز یک بار ختم میکرد.

درباره ظاهر، خصال و اخلاق وی نوشته‌اند، بوعلی مردی تنومند و زیبارو بود؛ برای فارغ شدن از سختی کار تألیف و تدریس به سماع و شرابخوردن میپرداخته و در حق معاصران و بزرگان پیش از خود بدزبان و عیبجو بوده است، چنان که در مناظره با ابوریحان، رازی را یاهوگو نامیده است. بوعلی سینا در النجاه خود، ابوحسن عامری را قدم، یعنی احمق و جاهل، میخواند. بیهقی بوعلی را کسی که بر ابوالفرج بن الطیب طعنه میزد معرفی کرده است.

ابن سینا را باید یکی از بزرگترین حکیمان ارسطویی و مشائی چون کندی و فارابی دانست. با این حال، بوعلی از ارسطو کورکورانه اطاعت نکرد و همچون استاد ندیده‌اش فارابی در تطابق و همزیستی دین و فلسفه

بسیار کوشید. نظام فلسفی وی ارسطویی بود ولی متأثر از افلاطون و نوافلاطونی‌ها بود. وی در شفا غرض از فلسفه را این گونه بیان میکند: آگاهی یافتن از همه حقایق بدان اندازه که برای آدمی امکانپذیر است. وی موضوع فلسفه را به دو نوع تقسیم میکند: ۱. نظری، مربوط به اشیا که به فعل و اختیار ما وابسته نیست، ۲. عملی، مربوط به فعل و اختیار یعنی ملکات و افعال ارادی.

بوعلی را دشمنان فلسفه یونانی چون امام فخر رازی، امام محمد غزالی و عبدالکریم شهرستانی نیز ستوده‌اند. بوعلی حکمت را به دو دسته تقسیم کرد: ۱. نظری: شامل طبیعیات، ریاضیات و الاهیات، ۲. عملی: شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن. شیخالرئیس در طبیعیات به هواشناسی، آثار جوی، شکل‌گیری کوه‌ها و ابرها و بارانها و آبهای زیرزمینی، زلزله و کیفیت تشکیل آب و شبنم و تگرگ و هاله و قوسقزح پرداخته است.

وی در النجاه، دانشنامه علایی، المدخل صناعه الموسیقی، کتاب اللواحق، جوامع علم الموسیقی که بخشی از شفاست، به موسیقی پرداخته است. در بخش موسیقی شفا سازها را این گونه تقسیم کرده است: ۱. زهی: همچون بریط، تنبور، چنگ و رباب؛ ۲. بادی: مانند نایانبان، ارغنون و سرنای؛ ۳. کوبشی. این تقسیم‌بندی هنوز هم درباره آلات موسیقی به کار میرود.

اروپاییان فلسفه وی را میان نوافلاطونیان و آگوستینیان می‌شمارند. گیوم دورنی در ۱۲۳۰ م آثار کلامی و فلسفی بوعلی را طرد و محکوم کرد اما یک سال بعد پاپ گریگوریوس حکم طرد آثار بوعلی را رد کرد. فلسفه اسکولاستیک اروپا، تمایز میان ماهیت و وجود را از تعالیم بوعلی اقتباس کرده. تعالیم ابن سینا را بین سالهای ۱۲۱۰ تا ۱۲۱۵ م چندین بار به علت ارسطویی بودن طرد کردند. در مقابل، طرفداران فرقه فرانسیسکانی انگلیسی، حکیم ابن سینا را مکمل سنت آگوستین قدیس میدانستند. [گواشون در کتاب تمایز میان ماهیت و وجود بنا بر نظر ابن سینا، وی را فیلسوف ماهیت معرفی میکند؛ زیرا حکیم میکوشید تا ماهیت را در حال تحقق آن بازشناسد].

ابن سینا به عرفان اسلامی نیز توجه کرده است. در منتخب نورالعلوم و تذکره الاولیاء از مناظره و همصحبتی شیخ با ابوالحسن خرقانی یاد شده است. نمونه دیگر مناظره و مرآه حکمی بین ابوعلی سینا و شیخ ابوسعید ابوالخیر بوده است. محمد بن منور در اسرارالتوحید از همنشینی این دو با یکدیگر یاد کرده است. آثار عرفانی بوعلی عبارتند از: رساله العشق، رساله الطیر، رساله حی بن یقظان، رساله نیروزیه (شرح عرفانی حروف مقطعه قرآن)، سلامان و ايسال، و «قصیده عینیه».

لویی ماسینیون، لویی گارده و هانری کُرن کتب و رساله‌های عرفانی شیخ را بررسی کرده‌اند. دیگر عرفای مسلمان نیز بر آثار عرفانی بوعلی شرح‌هایی نوشته‌اند از جمله: شرح محیی الدین ابن عربی، عقیفالدین تلمسانی، داوود انطاکی و حاج ملاهادی سبزواری بر «قصیده عینیه».

بوعلی صاحب آثاری در صرف و نحو عربی است. جوزجانی در رساله سرگذشت از کتاب لسان العرب نام میبرد. ابن ابی اصیبعه به دیدن بخشهایی از آن اشاره کرده است. این کتاب شامل گزیده‌های از اصطلاحات دینی، فلسفی و حکامی است. کتاب اللوح فی النحو نیز از ابن سیناست.

حجه الحق در مقاله فی اسباب حدوث الحروف و مخارجها به آواشناسی از جنبه‌های علمی و اعضای تولید آوا میپردازد. وی این اثر را به خواهش و به نام ابومنصور جبان نگاشته است.

جرجانی کتاب معتصم الشعراء را نیز از بوعلی دانسته که از آن نسخه‌های نامانده است. بوعلی سینا منطق را ابزاری

برای تحصیل حکمت دوگانه میدانست. اساس دانش منطق وی بر پایه ارغنون ارسطوست. او در طبیعیات بر جسم تأکید خاصی دارد. بوعلی سینا جسم را مرکب از ماده (محل نیازمند حال) و صورت (حال) میدانست و به حرکت در طبیعیات توجه خاصی داشت. ابن سینا الاهیات را شریفتر و برتر از دیگر علوم میدانست. زیرا معتقد بود الاهیات والاترین علم نسبت به برترین معلوم (خدای متعال) است. وی بر این دانش نامهای دیگری چون فلسفه اولی، حکمت مطلق، علم علی و علم اعلی یا برین نیز گذاشته است. تعریف بوعلی از الاهیات این گونه است: «وجود بما هو موجود». موضوع الاهیات از دیدگاه شیخالرئیس، وجود است.

ابن سینا با مطرح کردن و گستراندن مبحث واجبالوجود و ممکنالوجود فارابی، به بحث خدانشناسی رسیده است. وی در طبیعیات شفا و در النجاه وجود خدا را از دو راه علت فاعلی و برهان علت غایی اثبات کرد. از دیدگاه وی ذره‌های از آسمان و زمین از نظر خداوند دور نمیماند. عالم از نظر وی قدیم حادث است. غزالی و ابن طفیل این دیدگاه بوعلی را رد کرده و آن را «تلاعب لفظی» دانستند.

بوعلی در روانشناسی تعلیم و تربیت نیز کاوشهای فکری و ذهنی کرده. آرای تربیتی وی را میتوان در بخشهایی از آثار او مشاهده کرد: (۱) رساله تدبیر المنازل (۲) فن سوم از کتاب اول قانون (۳) مقاله اول از فصل پنجم کتاب الاهیات شفا. او به چند فعالیت و نکته مهم تربیتی اشاره میکند از جمله: فرستادن اطفال از شش سالگی به مکتب و یادگیری قرآن و ادب از کودکی، پرداختن به ورزش و جهتدهی کودکان با توجه به استعدادها و توانایی آنها.

بوعلی پنج اصل مهم در تربیت جوانان را این گونه برشمرده است: ایمان، اخلاق پسندیده، تندرستی، دانشآموزی و هنر و پیشه آموختن. روانشناسی بوعلی بر پایه آموزه‌های ارسطویی؛ یعنی اثبات نفس است.

ابن سینا در تفسیر قرآن نیز مهارت داشته است از جمله: «تفسیر ثم استوی الی السماء و هی الدخان»، «تفسیر سوره الاخلاص»، «تفسیر سوره الاعلی»، «تفسیر سوره الفلق» (معروف به المعوذة الاولى) و «تفسیر سوره الناس» (معروف به المعوذة الثانية). بوعلی در این آثار میکوشید که اصول عقاید حکمی و فلسفی را بر پایه تفسیر و تأویل با مبانی دین تطبیق دهد.

عقاید سیاسی مدنی و اجتماعی وی در چند اثرش به اختصار آمده است. وی چون فارابی سیاست مدن را موضوع کتابهای خود قرار نداده است. بوعلی جامعه و اقشار آن را این گونه تقسیم کرد: ۱۰ مدبران (سیاستمداران) ۲. پیشهوران ۳. حفظه (نگهبانان). وی انواع درآمد حکومتی را نیز این گونه می‌شمارد: (۱) مالیاتها (۲) غرامات جنگی (۳) غنایم از اموال مخالفان سنت. بوعلی مالیات را برای خرج در مصالح اجتماعی میداند. توجه وی به امر ازدواج (برای دوری از لواط و زنا) و اسباب جدایی زن و مرد چون نازایی و بیکیفیتی و معاشرتهای ناپسند را میتوان در برخی آثارش مشاهده کرد.

بوعلی زنان را سسترای و ناقصالعقل، بیتحمل در برابر خشم و طالب هوا و هوس میداند. از این رو، از نظر وی زنان باید زیر حجاب باشند و وظیفهای جز تربیت فرزندان ندارند.

ابن سینا به ویژه در شفا به دانش ریاضیات میپردازد. او ریاضی را شامل چهار فن می‌شمارد: الف. فن اول در اصول هندسه، ب. فن دوم در علم حساب، ج. فن سوم در موسیقی، د. فن چهارم در هیئت.

او در رساله فی ابطال احکام النجوم یا رساله فی الرد علی المنجمین منکر احکام نجوم شده و در تعریف اقسام

العقول العلوم العقلیه، نجوم را این گونه تعریف کرده است: «علمی است متکی به گمان (تخمین) و هدف آن شناخت صور فلکی ستارگان نسبت به یکدیگر و نسبت به صور منطقه‌البروج و شناخت احوال دنیا از رابطه آنها». حجت بوعلی در رد قوانین نجوم، عقل سلیم است. ابونصر فارابی نخستین کسی است که در قانونهای نجوم تردید کرد.

تأثیر حکیم فارابی بر ابن سینا در عقاید اجتماعی، فلسفه و نجومی وی کاملاً هویداست و بیسبب نیست که نابغه مشرق زمین با آن غرور علمی، فارابی را بزرگ و محترم شمرده است.

بوعلی در ادب و شعر عربی و فارسی نیز دستی داشته است. در مجموع ۲۲ قطعه و رباعی (۶۵ بیت) فارسی به وی نسبت داده‌اند. این اشعار در تذکره‌ها و مجموعه‌هایی چون تذکره آذر از آذر بیگدلی، تذکره محمد صادق ناظم تبریزی، مجمع الفصحاء و ریاض العارفین از رضاقلیخان هدایت، نامه دانشوران، مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری و کشکول شیخ بهاءالدین عاملی به بوعلی نسبت داده شده است. پرآهنگ‌س، ایرانشناس نامدار، در صحت انتساب این رباعیات به بوعلی تردید کرده است. اشعار فارسی منسوب به بوعلی در تذکره‌ها و کتبی آمده که در دوره صفویه یا پس از آن تألیف شده است. در درستی انتساب این اشعار و به‌ویژه رباعیات وی، باید گفت که در دوران شیخ بزرگانی چون ابوسعید ابوالخیر، حکیم عمر خیام و خواجه عبدالله انصاری، رباعیاتی حکمی سروده‌اند. از این رو، اشعار و ابیاتی را باید پذیرفت که اسناد کهنتری دارند. اشعار فارسی منسوب به بوعلی به قرار زیر است:

(۱) قصیده‌های کوتاه با هفت بیت:

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد	نشاط عیش به دار بقا توانی کرد
وگر به آه ریاضت برآوری نفسی	همه کدورت دلها صفا توانی کرد
زمنزلات هوس گر برون نهی گامی	نزول در حرم کبریا توانی کرد
وگر زهستی خود بگذری یقین میدان	که عرش و فرش و ملک زیر پا توانی کرد
ولیکن این عمل رهروان چالاک است	تو نازنین جهانی، کجا توانی کرد!
نه دست و پای امل را فرو توانی بست	نه رنگ و بوی جهان را رها توانی کرد
چو بوعلی بربُر از خلق و گوشه‌های بگزین	مگر که خوی دل از خلق وا توانی کرد

(۲) قصیده‌های ۹ بیتی:

غذای روح بود باده رحیق الحق	که رنگ و بوش کند، رنگ و بوی گل را رق
به رنگ زنگ درآید زجان اندهگین	همای گردد اگر جرعه‌های بنوشد بق
به طعم تلخ چو پند پدر و لیک مفید	به پیش مبطل باطل، به نزد دانا حق
می از جهالت جهال شد به شرع حرام	چو مه که از سبب منکران دین شد شق
حلال گشته به فتوای عقل بر دانا	حرام گشته به احکام شرع بر احمق
شراب را چه گنه زانکه ابله‌ی نوشد	زبان به هرزه گشاید دست زدست ورق
حلال بر عقلا و حرام بر جهال	که میمحرک بود و خیر و شر از او مشتق
غلام آن می صافم کزو رخ خوبان	به یک دو جرعه برآرد هزار گونه عرق

چو بوعلی میناب ار خوری حکیمانه به حق حق که وجودت شود به حق ملحق
(۳) قطعهای ۸ بیتی:

روز کی چند در جهان بودم	بر سر خاک باد پیمودم
ساعتی لطف و لحظهای در قهر	جان پاکیزه را بیالودم
باخرد را به طبع کردم هجو	بیخرد را به طبع بستودم
آتشی برفروختم از دل	و آب دیده از آن بیالودم
با هواهای حرص شیطانی	ساعتی شادمان بنگنودم
آخرا لمر چون برآمد کار	رفتم و تخم کشته بدرودم
گوهرم باز شد به گوهر خویش	من از این خستگی بیاسودم
کس نداند که من کجا رفتم	خود ندانم که من کجا بودم

(۴) قطعه شعری سه بیتی:

گمان برم که در این روزگار تیره چو شب	بخفت چشم مروت بمراد مادر جود
ز سیر هفت ستاره در این دوازده برج	به ده دوازده سال اندرین دیار و حدود
هزار شخص کریم از وجود شد به عدم	که یک کریم نمیآید از عدم به وجود

(۵) قطعهای دو بیتی:

بگذر از بند مجاز و دور گرد از دام حُسن	هر که با دونان نشیند همت او دون شود
چون بود کامل کسی در خطه کون و فساد	کو نداند چون درآید یا از آنجا چون شود

(۶) رباعیات وی:

دل گر چه در این بادیه بسیار شتافت	یک موی ندانست ولی موی شکافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت	و آخر به کمال ذرهای راه نیافت

تا باده عشق در قدح ریخته‌اند	وندر پی عشق عاشق انگیزته‌اند
با جان و روان بوعلی مهر علی	چون شیر و شکر به هم برآمیزته‌اند

کفر چو منی گزاف و آسان نبود	محکمت از ایمان من ایمان نبود
در دهر چو من یکی و او هم کافر	پس در همه و دهر یک مسلمان نبود

از قعر گل سیاه تا اوج زحل	کردم همه مشکلات گیتی را حل
بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل	هر بند گشاده شد مگر بند اجل

یکاش بدانمی که من کیستمی	سرگشته به عالم از پی چیستمی
--------------------------	-----------------------------

گر مقبلم آسوده و خوش زیستی ورنه به هزار دیده بگریستی

رفت آن گوهر که بود پیرایه عمر و آورد زمانه طاق سرمایه عمر
از موی سپیدم سر پستان امید بنگر که سیاه میکند دایه عمر

سه رباعی نیز در مجمع الفصحاء، ریاضالعارفین و کشکول شیخ بهایی به اسم بوعلی است که در نسخ رباعیات حکیم عمر خیام نیز آمده است.

بوعلی در شعر عربی نیز مهارت داشته است. پارهای اشعار عربی وی عبارتاند از:

(۱) قصیده عینیه روحیه: مهمترین قصیده عربی وی است در کیفیت هبوط و حلول روح در جسم و بازگشت به عالم مجرد با بیانی شیوا. صاحب طبقات الاطباء تعداد ابیات آن را بیست بیت شمرده است. همان گونه که ذکر شد کسانی بر این قصیده شرح نوشته‌اند از جمله: شیخ عبدالواحد بن محمد جوزجانی، عقیف الدین تلمسانی (متوفی ۶۹۰ ق) به نام الکشف و اللبیان فی علم معرفه الانسان، سلیمان المحوزی بحرانی، داوود انطاکی، سدیدالدین منانی، محیالدینابن عربی و میرسید شریف جرجانی قصیده خمیره ابن فارض را بسیار متأثر از این قصیده عالی ابن سینا میدانند.

هبطت الیک من المحل الرفع و رقاء ذات تعزّر و تمنّع

(۲) قصیده‌های شانزده بیتی در پیری و حکمت و زهد با این مطلع:

أما اصبحت عن لیل التصابی و قد اصبحت عن لیل الشّباب

(۳) قصیده شکوائیه در ۴۳ بیت با مطلع زیر:

یا رب فکرت الاحداث و القدم فصار عینک کالاثار تتهم

(۴) قصیده‌های با نوزده بیت و به این مطلع:

هو الشیب لا ٔبد من و خطه فقرضه و اخضبه او غطه

(۵) قصیده‌های با ۲۵ بیت و به مطلع زیر:

قفا نجزی معاهدهم قليلا نغبت بد معنا الربع المحیلا

(۶) قصیده‌های در جواب ابوطالب علوی وزیر برای رفع جوشهای پیشانی، مطلع این قصیده این گونه است:

الله یشفی و ینفی ما بجهته من الاذی و یعافیه برحمته

(۷) قصیده‌های ۵۳ بیتی با نام «قصیده فیما یحدث من الامور و الاحوال عند القرآن المشتري و زحل فی برج الجدی»

و با این بیت آغازین:

أخذ ربّنی من القرآن العاشر وانفر بنفسک قبل نفر النافر

این قصیده شامل پیشگویی‌هایی از یورش مغولها به ایران، ویرانی خوارزم و خراسان و دیلم و ری، فوت سلطان محمد خوارزمشاه در آبسکون، ذلت خاندان خوارزمشاهی، شکست دلاور خوارزمشاهی (سلطان جلال الدین) و قتل خلیفه عباسی است. ابن ابی اصیبعه در صحت انتساب این ابیات به پورسینا شک دارد. به گمان درستتر این قصیده را باید از شاعری مغربی یا شامی دانست که اوایل قرن ۷ ق، مقارن تألیف عیونالانباء (۶۴۳ ق)، سروده شده است.

از شیخ بوعلی ارجوزه هایی در فن طبابت و منطق به شعر عربی بازمانده است. جدا از اینها، صاحب طبقات الاطباء سیزده قطعه عربی دیگر از بوعلی روایت کرده است.

او در رساله ها و آثار فارسی خود از جمله دانشنامه علایی به واژه‌سازی فارسی و معادلسازی کلمه‌های تازی روی آورده است. تا زمانی طولانی کسی برای واژه‌سازی فارسی کوششی نکرده بود. بوعلی گنجینه‌های قوی از واژگان و تعبیرهای فارسی برای ما به یادگار نهاده است همچون: کجایی (این)، کنندگی (فاعلیت)، بسیاری (کثرت)، اندریابی (ادراک)، شاید بود (امکان)، کنش (فعل)، چونی (کیفیت)، چندی (کمیت)، هراینگی (وجوب).

نثر فارسی وی سلیس، روان و دور از تکلف بود. جملات او معمولاً "کوتاه بوده است. همچنین او رساله هایی نیز در بلاغت و فصاحت دارد چون: خطب و تمهیدات و اسجاع و مخاطبات و مکاتبات و هزلیات. حکیم در تازی و پارسی سخنور و نویسندگانی توانا بوده است.

بوعلی به علم کیمیا اشتغال نداشت اما چون داروشناسی معتبر بود به دانش کیمیاگری در داروسازی اهمیت میداد. از وی آثاری مستقل در دانش کیمیا بهجا مانده است.

ابن سینا در طب مرتبه‌های بس ارجمند دارد. علم طب از دیدگاه ابن سینا نخست حفظ سلامت است و سپس درمان بیماریها. بوعلی طب را به دو بخش نظری و عملی تقسیم میکرد. وی بیماریها را برحسب ضایعات اعضای مختلف و حالات بدن دو دسته دانست: بیماریهای داخلی و بیماریهای خارجی.

پس از ابن ربن طبری، ابوبکر محمد بن زکریای رازی صاحب الحاوی و طب المنصوری و سپس علی بن عباس اهوازی صاحب کامل الصناعه یا طب ملکی ظهور کردند. بوعلی قانون و دیگر کتب طبی خود را در تکمیل کتب ذکر شده نوشت. از او رساله ها و کتب پزشکی به جای ماند که ارزش بسیار دارند. ابن سینا با بزرگان و دانشمندان عصر خود مراوده و مناظره علمی داشته است که از جمله میتوان به این بزرگان اشاره کرد:

۱. ابو عبدالله ابراهیم بن حسین ناتلی، از مشاهیر قرن چهارم هجری، شاگرد ابوالفرج بن الطیب و استاد بوعلی در دوران کودکی. ابن سینا در المقتضیات السبعه از او یاد میکند.

۲. ابوسهل مسیحی، از همراهان و همشینیان بوعلی در دربار آل مأمون خوارزم. او هنگام سفر به خراسان (در ۴۳۰ ق) که همراه ابن سینا بوده است؛ در بیابانی درگذشت. قطب الدین شیرازی، در شرح قانون، در چندین جا ابوسهل مسیحی را در طب دانتر از ابن سینا میدانند. بیرونی از وی دوازده مجلد کتاب و رساله ذکر میکند از جمله: مقاله فی الجدری، و سکون الارض او حرکتها.

۳. ابن الخمار ابوالخیر حسن بن سوار (۳۶۲-۴۰۴ ق)، حکیم و طبیب نامدار متوفی در بغداد. وی از مترجمان سریانی به عربی بوده و آثاری از او به یادگار مانده است. از این آثار میتوان به ترجمه مقاله فی الهیولی اشاره کرد.

۴. ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ق)، از نوابغ ایران زمین در قرنهای چهارم و پنجم هجری. وی در خوارزم با بوعلی مناظره داشته که به صورت رساله‌های منتشر گردیده است.

۵. ابوالفرج عبدالله بن الطیب، الجاثلیق یا ابن الطیب، وی در کتب لاتینی به «ابوالفار گیوس» مشهور است. رئیس بیمارستان عضدی بغداد بوده و با بوعلی مناظرات و مکاتباتی داشته است. بوعلی سخنان و آثار وی را در فلسفه، منطق و طبیعیات نقد کرده است. از آثار وی میتوان به تفسیر کتاب المزاج، از جالینوس اشاره کرد.

۶. ابن مسکویه (متوفی ۴۲۱ ق)، از نویسندگان و مورخان مشهور و صاحب تألیفاتی چون تجارب الامم.
۷. ابوسعید فضل بن ابی الخیر، به روایت صاحب اسرار التوحید با بوعلی مناظراتی داشته است.
۸. ابوالحسین سهلی (متوفی ۴۸۱ ق)، وزیر ادیب علی بن مأمون خوارزمی. او صاحب روضه السهیلیه است.
۹. ابوبکر احمد بن محمد بن برقی خوارزمی، استاد بوعلی در فقه و تفسیر و دیگر دانشها. دیوانی از او به خط ابن سینا باقی مانده است.
۱۰. ابومنصور حسن بن نوح قمری بخارایی یا ابومنصور بخارایی قمری، استاد طب بوعلی و صاحب آثاری چون علل العلل.
۱۱. ابوالقاسم کرمانی، وی با شیخالرئیس مناظراتی داشته است. ابن سینا وی را به تهیدستی در منطق متهم کرده است. او درباره ابن سینا گفته که با زشت شمردن معلومات دیگران آرای خود را مقرر و ثابت میکند (به نقل از تتمه الصوان الحکمه و عیونالانباء).
۱۲. ابونصر عراقی، از بزرگان همنشین شیخ در دربار آل مأمون. از وی آثاری به یادگار مانده است از جمله کتاب فی السموات.
۱۳. ابومندیه، در اصفهان با یکدیگر مراده علمی داشته‌اند. حاجی خلیفه در کشف الظنون، رساله فی البواسیر و علاج شقاقه را به وی نسبت داده است.
۱۴. ابومنصور جبانی، از ساکنان اصفهان که در لغت با بوعلی مناظره داشته است. بوعلی سینا مخالفان سرسختی نیز داشته است. شماری از آنها عبارتاند از:
- (۱) ابوالولید محمد بن احمد اندلسی و معروف به ابن رشد (متوفی ۵۹۵ یا ۵۹۷ ق)، وی در تهافت التهافت چندین بار شیخ را به سبب عدول از آرای حکیمان پیشین، سرزنش کرده است. ابن رشد، شیخالرئیس را در چند مسئله از قبیل وحی، لوح، و قلم پیرو اشاعره و متکلمان دانسته است.
- (۲) ابوالبرکات هبهالله علی بن مالک بغدادی (متوفی ۵۴۷ ق) و صاحب المعتمر، وی در مبحث علم باری تعالی آرای ابن سینا را نقد کرده است. عمر خیام، این انتقادهای او را به سبب درست و کامل درک نکردن آثار بوعلی میدانسته است.
- (۳) اسماعیل هروی (متوفی حدود ۴۶۲ ق)، او کتب فارابی را درس میداد اما از آموزش کتب بوعلی خودداری میکرد.
- (۴) امام محمد غزالی، او بر بوعلی و دیگر حکیمان مشایی مسلک و ارسطویی انتقاد میکرد. با این حال نظریات ارسطویی شیخ را منطقیتر و کاملتر از آرای دیگر فیلسوفان مشایی میدانسته است.
- (۵) عبدالکریم شهرستانی، صاحب ملل و نحل که همچون غزالی از مخالفان مشائیان بوده است.
- (۶) امام فخر رازی، در شرح خود بر اشارات شیخ، از وی به سبب حکمت ارسطویاش انتقاد میکرد.
- (۷) ابن اثیر (متوفی ۶۳۰ ق)، در کتاب تاریخ خود، بوعلی را کافر و آثارش را الحادآمیز خوانده است. وی وفات ابن سینا را در اصفهان و در سال ۴۲۸ ق آورده است.
- (۸) ابومحمد عبدالله بن اسعد یافعی (متوفی ۷۶۵ ق)، او از مخالفان سرسخت حکمت بوعلی بوده است. وی الشفا بوعلی را «الشقا» خوانده است.

۹) ابن الصلاح، به نقل از شذرات الذهب اثر ابن العماد که بوعلی را شیطانی از شیاطین انسی می‌شمارد. او از فقه‌های شافعی بوده است.

ابن سینا شاگردان بسیاری داشته است که مهمترین آنها عبارت‌اند:

۱. ابو عبید عبدالواحد بن محمد فقیه جوزجانی، در ۴۰۳ ق در گرگان به وی پیوست و تا پایان عمر بوعلی، به مدت ۲۵ سال، یار و همگام او بود. پس از مرگ استاد، به جمع‌آوری و تدوین آثار بوعلی پرداخت از جمله: تدوین بخش ریاضیات و موسیقی کتاب الشفا. از وی آثاری چند باقی مانده است: مقدمه کتاب شفا، تفسیر مشکلات قانون، شرح رساله حی بن یقظان و کتاب الحيوان به فارسی. او در سال ۴۳۸ ق در همدان درگذشت و در جوار استاد بزرگ خود دفن شد.

۲. ابو عبدالله محمد بن احمد معصومی، وی را فاضلترین شاگرد بوعلی میدانند. ابن سینا رساله العشق را به نام معصومی نوشته و درباره‌اش گفته است: «هو منی بمنزله ارسطو من افلاطون». از او آثاری چون مفارقات و اعداد العقول و الافلاک به جای مانده است. شیخ بهایی در کشکول، اشعاری از وی روایت میکند. ابو عبدالله معصومی همچون دیگر بزرگان شیعی به جرم الحاد و کفر در ری در دوره غزنویان، به شهادت رسید.

۳. ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان معروف به کیاریس بهمنیار (متوفی ۴۵۸ ق)، از زرتشتیان آذربایجان که شیخ کتاب المباحثات را بیشتر در پاسخ پرسش‌های وی نگاشت. او کتب و رساله‌هایی دارد که دو اثرش؛ یعنی رساله فی موضوع علم مابعد الطبیعه و رساله فی مراتب الموجودات در سال ۱۸۵۱ م در لایپزیک منتشر شده است.

۴. ابومنصور بن زیله (متوفی حدود ۴۴۰ ق)، مرید زرتشتی شیخ که دو اثر شرح رساله حی بن یقظان و کتاب الکافی فیالموسیقی را میتوان از وی ذکر کرد.

۵. ابومحمد شیرازی، شیخ رساله المبدأ و المعاد را به نام وی نوشته است.

جز این پنج شاگرد بزرگ بوعلی، نظامی عروضی در چهارمقاله از دو مرید مشهورش نام میبرد: سلیمان دمشقی و امیر فخرالدوله ابوکالیجار. صاحب طبقات الاطباء، از ابن سینا نقل میکند که شرف الدین ابو عبدالله بن یوسف ایلاقی مرید فاضل بوده است.

اشاره به علم و فضل شیخ بوعلی و آثارش در ادبیات فارسی شواهدی دارد، از جمله

عقل در کوی عشق نایبناست عاقلی کار بوعلی سیناست

حدیقه الحقیقه

مرد را حکمت دهی باید که دامن گیردش تا شفای بوعلی بیند نه ژاژ بُحتری

انوری

یحیی مهدوی و جرج قنواتی از آثار بوعلی سینا فهرستی تدوین و جمع‌آوری کرده‌اند. مهدوی در سال ۱۳۳۲ ق، ۱۳۱ اثر را با استناد دقیق و ۱۱۰ اثر را با استناد مشکوک به بوعلی نسبت داده است. کامران فانی در مجله نشر دانش ۱۰۸ کتاب و رساله از شیخ ذکر کرده است. سعید نفیسی ۴۵۶ کتاب و رساله بوعلی را برشمرده است. کهنترین فهرست آثار بوعلی از ابن ابی اصیبعه، شامل ۱۰۱ کتاب و رساله است. حاجی خلیفه در کشف الظنون نیز ۶۲ کتاب و رساله از ابن سینا ذکر کرده است. از مشهورترین آثار وی عبارت‌اند از :

- الف) در منطق و حکمت:** الاشارات و التنبيهات، اقسام الحکمه، کتاب الانصاف، رساله الحدود، الحکمه العروضية، الحکمه المشرقيه، کتاب الشفاء، المباحثات، کتاب النجاه.
- ب) در طبيعيات:** آثار العلويه، الاجرام العلويه، استضاء النور، الجسم، جوهر و عرض، حد الجسم، الحدث، حدوث الاجسام، العلم الطبيعي، الفضاء، لواحق الطبيعيه.
- ج) در علم النفس:** احوال النفس، بقاء النفس الناطقه، تزكيه النفس، حقيقه الروح، العقول، القوى الاربعه، النفس، النفوس.
- د) در مابعدالطبيعه و توحيد:** رساله ما بعدالطبيعه، رساله التمجيد، حقايق علم التوحيد، سرّ القدر، شرح اسماءالله، العروش، عقل الكل، الفصول، فصول في حكمه، القدر، القضاء و القدر، المبدأ و المعاد، المسائل، رساله المعاد، الممكن الوجود، اثبات وجودالله.
- ه) در تفسير:** تفسير سوره ثم استوى الى السماء و هي الدخان، تفسير سوره الاخلاص يا صمديه، تفسير سوره الاعلى، تفسير سوره الفلق، تفسير سوره الناس.
- و) در تصوف:** الاحاديث المرويّه، في ماهيه الحزن، حى بن يقظان، الخطبه الغراء (با ترجمه خيام به فارسى)، الخلو، الدعاء، الزهد، الصلاه و ماهيتها، رساله الطير، رساله فى العشق، العلم اللدنى، العهد، سلامان و ايسال، المواعظ، رساله فى كلمات الصوفيه، مواقع الالهام، الموت و الحياه، الورد العظيم.
- ز) در اخلاق، تدبير منزل، سياست و نبوت:** اثبات النبوه، الاخلاق، رساله الارزاق، تدبير المسافرين، السياسه.
- ح) در طب:** ادويه القلبيه، ارجوزه فى التشريح، ارجوزه فى الطب، الاغذيه و الادويه، الاقرباذين، البول، فى حفظ الصحه، الخمر، السکنجبین، رساله فى الطب، الفصد، القانون فى الطب، القولنج، فى بيان النبض.
- ط) در کيميا:** الاکسير، رساله فى الصناعه العالیه.
- ی) در علم رؤيا، سحر و طلسم:** رساله المناميه.
- ک) در رياضيات:** الزاويه، رساله فى الموسيقى، الفلك و المنازل، مختصر فى علم الهيئه.
- ل) رسالات ادبى:** حدوث الحرف، الفيروزيه فى حروف ابجد.
- م) نامه‌هاى وى:** رقعہ الى ابن زيله، حصول علم و حکمه، رقعہ الى ابى سعيد بن ابى الخير.
- ن) آثار حکيم به فارسى:** دانشنامه علايى، رساله نبض، رساله معراجيه يا معراجنامه، کنز المغرّمين، ظفرنامه، حکمه الموت، رساله نفس، رساله المبدأ و المعاد، رساله المعاد، رساله اثبات النبوه، رساله علل تسلسل موجودات، رساله جوديه، رساله پيشين يا برين، رساله رگشناسى، معيار العقول فى علم الجرثقيه، رساله در منطق، رساله العشق، رساله الاکسير، رساله در اقسام نفوس، فى تشريح الاعضاء، رساله در معرفت سموم و رفع مضرّات آن، شرح کتاب النفس ارسطو.

معرفى قانون فى الطب

در بيان اهميت کتاب قانون نظامى عروضى آورده است که اگر بقراط و جالينوس زنده شوند روا بود که پيش اين

کتاب سجده کنند. او به نقل از قدما روایت میکند که «طبیعی مجلد اول از قانون بدانسته باشد و سن او به اربعین کشد اهل اعتماد بود».

بوعلی در کتاب مذکور سعی بلیغی در تعریف الفاظ طبی به گونه‌های منطقی کرده و در تقسیم موضوعات و شرح مطالب نیز از روشی منطقی پیروی کرده است. قانون را باید ترکیبی علمی از تجارب بالینی بوعلی، آثار و تعالیم جالینوس و بقراط و ارسطو و نوشته‌های پزشکان ایرانی و مسلمان پیش از خود چون رازی، ابن ربن طبری و ابوسهل مسیحی دانست.

کتاب مذکور را بزرگترین سند پزشکی جالینوسی میدانند ولی مسائل نظری ارسطویی بر این اثر ارزشمند مسلط است. بوعلی در تشریح به ارسطو استناد میکرد. وی مبانی کلی طب را بر پایه آرای جالینوس و داروگیاشناسیاش را بر اساس نوشته‌های دیوسکوریدوس (داروگیاشناس نامدار یونانی در قرن نخست میلادی) توضیح داده است. بوعلی به طب نظری و عملی نظر داشته است. وی در آثار طبی خود و به ویژه در قانون، تعالیم عملی و بالینی را در قالب تعریف‌های نظری و علمی بیان کرده است. مشاهدات بالینی قانون را میتوان با مفاهیم تجربی بالینی الحاوی مقایسه کرد. ابن سینا، رازی را شایسته نام پزشک و حکیم نمیدانست اما عملاً "بسیاری از روشهای درمان و کار تجربی خود را از الحاوی رازی آموخته بود.

بوعلی در شرح داروهای مفرد و قراباذین، نخست ماهیتشان را ذکر میکند و بعد نوع عالی و دانی آن را شرح میدهد. اکثر داروهای ذکر شده از داروهای گیاهی یا حیوانی است. او از مواد معدنی و ترکیبات شیمیایی نیز در داروسازی استفاده نمیکرده است از جمله طلا، سرب، نقره، سفیداب، گوگرد، زرنیخ، لاجورد، و زنگار.

ابن سینا ضمن توصیف کارکرد این مواد اطلاعات جالبی نیز درباره شیمی غیرآلی بیان کرده است. در کتاب اول قانون برخی اطلاعات درباره طرز آزمایش مواد دقیقاً آمده است از جمله شرح تصفیه آب هنگام مسافرت. بوعلی سینا در قانون به نکات خاصی اشاره میکند که پیش و حتی پس از آن دوره، به آنها توجه چندانی نمیشده است. از آن جمله است:

(۱) شیخ الرئیس با اطمینان رؤیا را از واکنشهای مزاج دانسته است. وی از رؤیای بیماران خود به اختلال تعادل مزاجهایشان پی میبرد و معالجه را آغاز میکرد. در مواردی هم به دانه‌ها و ادویهای اشاره نمیکرده که با خوردنشان میتوانیم رؤیاهای شیرین ببینیم.

(۲) بر ورزش و تنوع حرکتی در تندرستی جسم و روان تأکید بسیاری کرده است.

(۳) اطلاعاتی کاملاً درست از مراحل سه گانه بیماری سل ارائه داده است. وی برای درمان این بیماری از تربانتین، مازو و گردو استفاده نمیکرده که امروزه نیز تا حدودی متداول است.

(۴) برای اسهال، خوردن آب پنیر و پنیر بز را تجویز کرده که شبیه تجویز اسید لاکتیک و شیر خشکهای لاکتیکدار در روزگار معاصر است.

(۵) او درباره بهداشت، ورزش، استفاده از هوای پاک، حمام آفتاب و جوشاندن آب پیش از نوشیدنش نظریاتی درست و کامل عرضه کرده است.

(۶) تغییر فصول را در بیماریهای گوناگون مؤثر میدانست.

- (۷) بیماریهایی همچون سل، سرخک و آبله را خوب میشناخته است. این بیماریها از راه آب و هوا منتقل میشود.
- (۸) در جراحی به بیحسی توجه داشته و محل بریدگی را با شراب یا هر نوع محلول الکلداری دیگر میشته است.
- (۹) وی را نخستین جراحی میدانند که اعصاب بریده شده را بخیه میزده است. بوعلی از موی اسب برای تهیه نخ بخیه استفاده میکرده است. او به شرایط عمل جراحی نیز اهمیت بسیاری میداده است.
- (۱۰) برای درمان سنگهایی که در مجاری ادرار گیر میکنند؛ استفاده از نوعی صندلی فلزی با پوشش چرمی را توصیه کرده است. وی این وسیله را «قناطر» مینامید که امروزه «کاتتر» میگویند.
- (۱۱) ابن سینا نخستین پزشکی است که سرطان معده را تعریف کرده است.
- (۱۲) بوعلی در درمان سرطان سینه استفاده از حرارت را توصیه میکرده است که پزشکان امروزی به این مطلب مهم پی برده‌اند.
- (۱۳) مفاصل و استخوانها را خوب میشناخت و روشهای مؤثری برای شکستهبندی ابداع کرده بود. برای مثال بیمار را از دوسو میکشیدند تا مهره دررفته جا بیفتد.
- (۱۴) برای نخستین بار شیوه درمان با بخار سیماب را به کار برد و مسمومیت با این بخار را نیز پیشبینی کرد.
- (۱۵) وی علم تشریح را گسترش داد. نخستین توصیف دقیق از بخشهای گوناگون چشم از بوعلی است. عدهای برآنند که او پنهانی جسد مردگان را تشریح میکرده است. و اعصاب و عروق را به خوبی میشناخته است.
- (۱۶) بیماریهای مسری تماسی چون جذام را معرفی کرد.
- (۱۷) وی میدانسته که طاعون از طریق موشها و دیگر انواع حیوانات منتقل میشود.
- (۱۸) به روابط نفسانی و جسمانی اهمیت فراوانی میداد. او با آزمایش دو بره به نتایج جالبی رسید؛ بره‌ای را در امنیت کامل و دیگری را نزدیکی گرگی قرار داد. بره اول، رشد طبیعی کرد و بره دوم لاغر و نزار شد.
- (۱۹) وی در قانون از هذیان، صرع، غش، مرگ کاذب و سر درد شرحی مفصل داده و شیوه درمان هر کدام را نیز بیان کرده است. بوعلی به رفتار ملایم با بیماران روانی اهمیت فراوانی میداد از جمله: بستن دیوانگان با رشته‌های نرم و خواباندنشان در بسترهای نرم و آرام. او شادی و نشاط پزشکان و پرستاران را در درمان سریع بیماران مؤثر میدانست.
- آرای روانشناسانه وی در شفا، نجات، قانون، دانشنامه علایی، رسالات نفس و اشارات و تنبیهات بیان شده است. رواندرمانی بوعلی در قانون مثالزدنی است چنانکه از تلقین در درمان بیماریها بسیار بهره میبرده است.
- (۲۰) بوعلی برای نخستین بار اثبات کرد که بین مراکز عصبی و غدد مترشحه داخلی پیوند نزدیکی وجود دارد.
- (۲۱) شیر مادر را بهترین غذای کودکان میدانست.
- (۲۲) بوعلی نخستین کسی است که درد عصب تری ژومو(سه شاخه) را در قانون آورده است.
- (۲۳) به غذادرمانی و رژیم غذایی درست بیشتر از دارودرمانی اهمیت میداد. وی در کتابهای دوم و پنجم قانون بر مصرف بجا و درست دارو تأکید کرده است.
- (۲۴) در قانون از بیماریهای مسری، از مادر به فرزند سخن گفته است همچون وبا، بیماریهای عفونی و موسمی و فصلی.
- (۲۵) به بیماریهای سرطان پوست، رشته یا پیوک، ورم نخاع، سکتته و زخم معده توجه کرده است.

۲۶) توصیه کرده است که با بالابردن حرارت بدن، میتوان بیماریهایی چون تشنج را درمان کرد.
 ۲۷) با توجه به قانون، بوعلی را میتوان از پایهگذاران دانش «پدیاتری» یا علم تندرستی کودکان به شمار آورد.
 ۲۸) بر اهمیت آب معدنی بر سلامت انسانها تأکید کرد.
 قانون فی الطب در سه مرحله نوشته شده است: نخست در گرگانج حدود سال ۴۰۳ ق، بخش دوم در ری و حدود ۴۰۵ ق و بخش سوم در همدان بین سالهای ۴۰۵ و ۴۱۴ ق. این کتاب عظیم بیش از یک میلیون کلمه دارد و شامل پنج بخش (کتاب) است که هر یک به چند فن، تعلیم، جمله و فصل تقسیم میشود.
 پنج بخش کتاب قانون چنین است:

کتاب اول در طب.

این کتاب درباره اساس کلی طب و مشتمل بر شش فن است.
 فن اول، در توصیف علم طب و زمینه‌های این دانش. موضوعات آن در امور طبیعی و مشتمل بر شش تعلیم است.
 تعلیم اول: در باب تعریف علم طب و زمینه‌های این دانش. این تعلیم دو فصل دارد.
 تعلیم دوم: در باب بحث در ارکان.

تعلیم سوم: در باب بیان مزاجها و مشتمل بر سه فصل.

تعلیم چهارم: درباره اخلاط در دو فصل.

تعلیم پنجم: در باب چگونگی و انواع اندام (شامل یک فصل و پنج جمله).

فصل اول از تعلیم پنجم: در باب چگونگی اندام و انواع آن.

جمله اول از تعلیم پنجم: در باب استخوان و مشتمل بر سی فصل.

جمله دوم از تعلیم پنجم: در باب ماهیچه‌ها و مشتمل بر سی فصل.

جمله سوم از تعلیم پنجم: در باب عصب و دارای شش فصل.

جمله چهارم از تعلیم پنجم: درباره شرابین و مشتمل بر پنج فصل.

جمله پنجم از تعلیم پنجم: در باب وریدها و مشتمل بر پنج فصل.

تعلیم ششم: در باب قوا و دارای یک جمله و یک فصل، درباره قوا و با شش فصل.

فن دوم از کتاب اول، در باب بیماریها، علل و نشانه‌های آن است و مشتمل بر سه تعلیم.

تعلیم اول از فن دوم: در باب بیماریها و مشتمل بر هشت فصل.

تعلیم دوم از فن دوم: درباره علل و دارای دو جمله.

جمله اول از تعلیم دوم: شامل عوارض بیماریها و مشتمل بر نوزده فصل.

جمله دوم از تعلیم دوم: در باب علل پدیده‌های جسمی و مشتمل بر ۲۹ فصل.

تعلیم سوم از فن دوم: در باب عرضها و علائم و مشتمل بر یازده فصل و دو جمله.

جمله اول از تعلیم سوم: در باب نبض و دارای نوزده فصل.

جمله دوم از تعلیم سوم: درباره ادرار و مدفوع و دارای سیزده فصل.

فن سوم از کتاب اول، این فن مشتمل بر یک فصل و پنج تعلیم است.

فصل اول از فن سوم: درباره تندرستی، بیماری و ناگزیری مرگ.

تعلیم اول از فن سوم: در باب پرورش و مشتمل بر چهار فصل.

تعلیم دوم از فن سوم: در باب ورزش و برنامه مشترک افراد بالغ و مشتمل بر هفده فصل.

تعلیم سوم از فن سوم: در باب بهداشت پیران و مشتمل بر شش فصل.

تعلیم چهارم از فن سوم: در باب مزاج خوب و دارای پنج فصل.

تعلیم پنجم از فن سوم: در باب انتقال از فصلی به فصلی دیگر و مشتمل بر یک فصل و یک جمله.

فصل اول از تعلیم پنجم: در باب ویژگیهای فصول.

جمله اول از تعلیم پنجم: در باب برنامه مسافران و مشتمل بر هشت فصل.

فن چهارم از کتاب اول، در باب انواع معالجات بیماریهای عمومی و دارای ۳۲ فصل.

کتاب دوم درباره ادویه مفرده. این بخش از کتاب شامل دو جمله است:

جمله اول از کتاب دوم: در ذکر قوانین طبیعی داروها که طبیبان باید با آن آشنا شوند. این جمله شش گفتار دارد.

جمله دوم از کتاب دوم: در باب شناسایی قوای جزوی داروهای مفرده (حدود ۸۰۰ دارو) و دارای چندین لوح و یک قاعده.

کتاب سوم در باب قسمتهای عملی و سودمند در بهداشت و سلامت آدمی. مشتمل بر ۲۲ فن و گفتار و فصول گوناگون.

فن اول از بخش اول کتاب سوم، در باب بیماریهای سر و مغز و مشتمل بر پنج گفتار.

گفتار اول از فن اول: درباره شناسایی سر و مغز و دارای ۲۹ فصل.

گفتار دوم از فن اول: انواع سردرد و دارای ۲۹ فصل.

گفتار سوم از فن اول: درباره ورمها و گسستگیها در سر و دارای دوازده فصل.

گفتار چهارم از فن اول: بیماریهای سر و آسیب‌رسانیهایی آن به کنشهای حسی با یازده فصل.

گفتار پنجم از فن اول: در باب بیماریهای مغز که به جنبشهای ارادی انسان زیان میرسانند و در چهار فصل.

فن دوم از بخش اول کتاب سوم، در باب بیماریهای اعصاب و مشتمل بر نه فصل.

فن سوم از بخش اول کتاب سوم، درباره تشریح و بیماریهای چشم و مشتمل بر چهار گفتار طبی.

گفتار اول از فن سوم: در باب حالت چشم و رمَد با هشت فصل.

گفتار دوم از فن سوم: در باب بیماریهای کره چشم با هفده فصل.

گفتار سوم از فن سوم: در باب پلک و اطراف پلک و مشتمل بر ۲۲ فصل.

گفتار چهارم از فن سوم: نیروی دید و حالات آن و در یازده فصل.

فن چهارم از بخش اول کتاب سوم، این فن درباره گوش است و پانزده فصل دارد.

فن پنجم از بخش اول کتاب سوم: در باب بینی و حالات آن و مشتمل بر دو گفتار.

گفتار اول از فن پنجم: در باب حس بویایی، آسیبهای وارده بر بینی و سیلان مواد از آن و دارای پنج فصل.

گفتار دوم از فن پنجم: در باب سایر حالات بینی و در دوازده فصل.

فن ششم از بخش اول کتاب سوم، در باب دهان و زبان مشتمل بر بیست فصل.

- فن هفتم از بخش اول کتاب سوم، در باب دندان و با نوزده فصل.
- فن هشتم از بخش اول کتاب سوم، درباره لثه و لب و مشتمل بر دوازده فصل.
- فن نهم از بخش اول کتاب سوم، در باب گلو و در ده فصل.
- فن دهم از بخش اول کتاب سوم، در باب ریه و سینه و در پنج گفتار.
- گفتار اول از فن دهم: در باب صدا و نفس و دارای ۳۸ فصل.
- گفتار دوم از فن دهم: در باب صدا و در هشت فصل.
- گفتار سوم از فن دهم: در باب سرفه و خون برآوردن و دارای دو فصل.
- گفتار چهارم از فن دهم: در باب ورمهای اطراف سینه که مربوط به قلب نیست و شامل دوازده فصل.
- گفتار پنجم از فن دهم: در باب چارهجویی سل و دارای چهار فصل.
- فن یازدهم از بخش اول کتاب سوم، درباره قلب و با دو گفتار.
- گفتار اول از فن یازدهم: درباره شناسایی قلب و در هفت فصل.
- گفتار دوم از فن یازدهم: در باب شرح جزئیات بیماریهای قلبی و در دوازده فصل.
- فن دوازدهم از بخش اول کتاب سوم، درباره پستان و احوال آن در یازده فصل.
- فن سیزدهم از بخش دوم کتاب سوم، درباره مری و معده در شش گفتار.
- گفتار اول از فن سیزدهم: در باب شناسایی مری و معده و بیماریهای آنها در ده فصل.
- گفتار دوم از فن سیزدهم: در باب نشانه ها و علاج سوء مزاج معده و دارای نوزده فصل.
- گفتار سوم از فن سیزدهم: در باب درد معده و ناتوانی و بیاشتهایی در نه فصل.
- گفتار چهارم از فن سیزدهم: بیماریهای دستگاه گوارش و دارای نوزده فصل.
- گفتار پنجم از فن سیزدهم: درباره بیماریهای ابزارای و اشتراکی در معده و شامل شش فصل.
- گفتار ششم از فن سیزدهم: در باب بیماریها و حالات معده، و اطراف معده در دوازده فصل.
- فن چهاردهم از بخش دوم کتاب سوم، در باب کبد و چگونگی آن و مشتمل بر چهار گفتار.
- گفتار اول از فن چهاردهم: در باب چگونگی کبد به طور عام و مشتمل بر ده فصل.
- گفتار دوم از فن چهاردهم: درباره ناتوانی و سایر احوال کبد با چهارده فصل.
- گفتار سوم از فن چهاردهم: گسستگیها در کبد و مشتمل بر سیزده فصل.
- گفتار چهارم از فن چهاردهم: در باب آب در کبد و در شش فصل.
- فن پانزدهم از بخش دوم کتاب سوم، در باب زهره و سپرز و مشتمل بر دو گفتار.
- گفتار اول از فن پانزدهم: درباره تشریح کیسه زهره، سپرز و حالات یرقان در هفت فصل.
- گفتار دوم از فن چهاردهم: در باب حالات طحال و مشتمل بر ده فصل.
- فن شانزدهم از بخش دوم کتاب سوم، در باب روده و مقعد با پنج گفتار.
- گفتار اول از فن شانزدهم: در باب تشریح روده و روانی شکم در سه فصل.
- گفتار دوم از فن شانزدهم: در باب علاج ویژه انواع اسهال در شانزده فصل.

گفتار سوم از فن شانزدهم: در باب درد روده ها و علاج آنها در سیزده فصل.
گفتار چهارم از فن شانزدهم: در باب علاج قولنج، معرفی ایلاوس و جزئیاتی از بیماریهای روده مشتمل بر ۲۳ فصل.

گفتار پنجم از فن شانزدهم: درباره کرمها و در سیزده فصل.
فن هفدهم از بخش سوم کتاب سوم، در باب بیماریهای مقعد و در یک گفتار هفده فصلی.
فن هجدهم از بخش سوم کتاب سوم، درباره حالات کلیه در دو گفتار.
گفتار اول از فن هجدهم: درباره کلیه و در شش فصل.
گفتار دوم از فن هجدهم: درباره ورم و گسستگیها در کلیه با دوازده فصل.
فن نوزدهم از بخش سوم کتاب سوم، در باب مثانه و بول در دو گفتار.
گفتار اول از فن نوزدهم: درباره مثانه و در شانزده فصل.
گفتار دوم از فن نوزدهم: در باب ادرار و در دوازده فصل.
فن بیستم از بخش سوم کتاب سوم، در باب اندام تناسلی مردان و در دو گفتار.
گفتار اول از فن بیستم: در باب اندامهای تناسلی به طور همگانی و غریزه جنسی در ۲۳ فصل.
گفتار دوم از فن بیستم: در باب اندامهای مربوط به جماع و خارج از غریزه جنسی در نه فصل.
فن بیست و یکم از بخش سوم کتاب سوم، در باب چگونگی ابزار بچه‌آور و در چهار گفتار.
گفتار اول از فن بیست و یکم: درباره باردار شدن در هشت فصل.
گفتار دوم از فن بیست و یکم: درباره بارداری و زادن در دوازده فصل.
گفتار سوم از فن بیست و یکم: در باب بیماریهای زهدان و در یازده فصل.
گفتار چهارم از فن بیست و یکم: در باب موانع باردار شدن و در دوازده فصل.
فن بیست و دوم از بخش سوم کتاب سوم، در باب بیماریهای پایدار اطراف بدن و در دو گفتار.
گفتار اول از فن بیست و دوم: درباره آسپیدگی و در شش فصل.
گفتار دوم از فن بیست و سوم: درباره درد دندانها و در نه فصل.

کتاب چهارم قانون در طب، در هفت بخش و شامل چندین گفتار و فصل.

بخش اول از کتاب چهارم، در باب تبها به طور عام و در دو گفتار.
گفتار اول از بخش اول: درباره تب روزانه و در سی فصل.
گفتار دوم از بخش اول: در باب تبهای عفونی به طور کلی و در ۵۴ فصل.
بخش دوم از کتاب چهارم، در باب پیشبینی حال بیماران و در دو گفتار.
گفتار دوم از بخش دوم: درباره وقت، روزها و نوبتهای بحران در سه فصل.
گفتار اول از بخش دوم: درباره بحران بیماری، نشانه‌های زمان بحران و در سه فصل.
بخش سوم از کتاب چهارم، درباره ورم و جوش و در سه گفتار.
گفتار اول از بخش سوم: درباره ورم و جوش گرم مزاج در سیزده فصل.
گفتار دوم از بخش سوم: در باب ورم سرد و امثال آن در ده فصل.

- گفتار سوم از بخش سوم: در باب جذام و در یک فصل.
- بخش چهارم از کتاب چهارم، در باب گسستگی پیوندها جز شکست و بست (در چهارگفتار)
- گفتار اول از بخش چهارم: درباره زخمها و در دوازده فصل.
- گفتار دوم از بخش چهارم: درباره پوستاندازی، کوفتگی، شکافتگی، افتادن، صدمه دیدن، نزیف خون (خونریزی شدید) و وثی‌آ (رگ به رگ شدن) در یازده فصل.
- گفتار سوم از بخش چهارم: در باب قرحه در چهارده فصل.
- گفتار چهارم از بخش چهارم: در باب پی، رگ و استخوان در ده فصل.
- بخش پنجم از کتاب چهارم، در باب شکسته‌پندی و در سه گفتار.
- گفتار اول از بخش پنجم: درباره ازجا برکنندگی در شانزده فصل.
- گفتار دوم از بخش پنجم: درباره شکستن استخوانها و در یازده فصل.
- گفتار سوم از بخش پنجم: درباره شکستگی اندامها و در نوزده فصل.
- بخش ششم از کتاب چهارم، بخشی مختصر و مفید درباره سمها و در پنج گفتار.
- گفتار اول از بخش ششم: در باب انواع سموم تناولی و در چهار فصل.
- گفتار دوم از بخش ششم: در باب سم جانداران.
- گفتار سوم از بخش ششم: در باب گزش و نیش حشرات موزی و با ۲۷ فصل.
- گفتار چهارم از بخش ششم: در باب گاز گرفتن انسان و چهارپایان و مشتمل بر شش فصل.
- گفتار پنجم از بخش ششم: در باب انواع حشرات موزی و در سه فصل.
- بخش هفتم از کتاب چهارم، در باب آرایش و پیرایش و مشتمل بر چهار گفتار.
- گفتار اول از بخش هفتم: درباره موی سر و شوره آن در سیزده فصل.
- گفتار دوم از بخش هفتم: در باب رنگ پوست و در سه فصل.
- گفتار سوم از بخش هفتم: در باب انواع جوشهای پوست و مشتمل بر هشت فصل.
- گفتار چهارم از بخش هفتم: در باب حالات مربوط به بدن و مشتمل بر چهار فصل.
- کتاب پنجم قانون در طب**، در طب اقرابادینی مشتمل بر مقدمه مؤلف و دو جمله و چندین گفتار و فصل.
- مقدمه مؤلف: درباره نیاز به داروهای ترکیبی و در دو فصل.
- جمله اول از کتاب پنجم: درباره داروهای ترکیبی و شامل دوازده گفتار.
- گفتار اول از جمله اول: در باب تریاقها و معجونهای بزرگ و با یک فصل.
- گفتار دوم از جمله اول: درباره ایارجه (معجونهای مسهل)
- گفتار سوم از جمله اول: در باب گوارشها.
- گفتار چهارم از جمله اول: در باب داروهای در دهن ریختنی بزرگسالان و کودکان.
- گفتار پنجم از جمله اول: در باب انگشتپیچها (لیسیدنیها).
- گفتار ششم از جمله اول: درباره شربت‌ها و ربها.

- گفتار هفتم از جمله اول: درباره مرباها و انبیجات.
- گفتار هشتم از جمله اول: در باب عرقها.
- گفتار نهم از جمله اول: در باب آبپزها و حبها.
- گفتار دهم از جمله اول: در باب روغنها.
- گفتار یازدهم از جمله اول: درباره مرهمها و ضمادها.
- گفتار دوازدهم از جمله اول: مربوط به داروهای ترکیبی (۹۸ دارو) و در علاج بیماریها.
- جمله دوم از کتاب پنجم: در هشت گفتار.
- گفتار اول از جمله دوم: در باب بیماریهای سر و علاج آنها و در هفده نسخه.
- گفتار دوم از جمله دوم: در باب علاج بیماریهای چشم در ۶۹ نسخه.
- گفتار سوم از جمله دوم: در باب بیماریهای گوش، قرحه بینی و معالجه آنها در سیزده نسخه.
- گفتار چهارم از جمله دوم: در باب دندان و مربوط به آن در ده نسخه.
- گفتار پنجم از جمله دوم: درباره بیماریهای دهان، گلو و اندامهای درونی فوقانی و در ۲۹ نسخه.
- گفتار ششم از جمله دوم: درباره علاج بیماریهای داخلی در ۵۲ نسخه.
- گفتار هفتم از جمله دوم: در باب درمان درد و مفاصل، نقرس و عرق النساء در نه نسخه.
- گفتار هشتم از جمله دوم: در باب علاج داءالثعلب.

بر کتاب قانون شرحهایی نوشته اند، از جمله:

۱. شرح ابو عبید عبدالواحد جوزجانی؛ شاگرد بوعلی سینا.
۲. شرح علی بن رضوان (متوفی ۴۶۰ ق.).
۳. شرح فخرالدین رازی (متوفی ۶۰۶ ق.).
۴. شرح ابراهیم بن علی بن محمد سلمی القطب المصری در قرن هفتم هجری.
۵. شرح نجم الدین احمد نخجوانی.
۶. شرح محمد بن محمود املی (متوفی ۷۵۳ ق.).
۷. شرح سعد الدین محمد فارسی.
۸. شرح فخر الدین محمد خجندی.
۹. شرح جمال الدین حلی.
۱۰. شرح رفیع الدین کیلی.
۱۱. شرح یعقوب بن اسحاق ساوی یا السامری در قرن هفتم هجری.
۱۲. شرح ابوالفرج یعقوب بن اسحاق و معروف به ابن القف.
۱۳. شرح محمد بن عبدالله آقسرایبی در قرن هشتم هجری.
۱۴. شرح حکیم علی گیلانی یا جیلانی در قرن دهم هجری.
۱۵. شرح کلیات قانون از سدید الدین کازرونی (متوفی ۷۴۵ ق.).
۱۶. شرح ابوالفضایل محمد بن نامور خونجی (متوفی ۶۴۶ ق.).

۱۷. شرح علی بن عبدالرحمان مشهور به زین العرب المصری (متوفی ۷۷۰ ق).
۱۸. شرح عزیز الدین رازی.
۱۹. شرح قطب الدین ابراهیم مصری.
۲۰. شرح مسیح الملک یا حکیم شفایی خان بن حکیم عبدالشافی خان.
۲۱. شرح هبهالله بن جمی.
۲۲. شرح محمود بن مسعود بن مصلح فارسی کازرونی معروف به قطب الدین شیرازی (متوفی ۷۱۰ یا ۷۱۶ ق) به نام تحفه السعديه.
۲۳. شرح افضل الدین جوینی.
۲۴. شرح ربیع الدین عبدالعزیز چلبی.
۲۵. شرح اسحاق خان بن اسماعیل خان دهلوی (در قرن دوازدهم هجری) و با نام غایه المفهوم فی تدبیر المحموم.

۲۶. شرح و حاشیه بر قانون از ضیاء الدین بن بهاء الدین شجاعی.

خلاصه هایی نیز از این کتاب تهیه شده که برخی از آنها چنین است:

۱. مختصر القانون از ابوعلی محمد بن یوسف بن شرف الدین.
 ۲. خلاصه القانون از ابوسعید بن ابی السرور الاسرائیلی السامری العسقلانی.
 ۳. موجز ابنفیس. [نویسنده در خلاصه خود از قانون، گردش خون کوچک بین قلب و ریه ها را توضیح میدهد. بعدها ویلیام هاروی گردش کامل خون را در بدن با توجه به آرای بوعلی و ابنفیس اثبات کرد].
 ۴. التشریح المکنون فی تنقیه القانون اثر هبهالله ابن جمیع اسرائیلی.
 ۵. الفصول الایلاقیه تألیف محمد بن یوسف ایلاقی (متوفی ۴۶۰ ق).
 ۶. قانونچه یا القانونچی فی الطب از محمود بن عمر چغمینی (متوفی ۷۴۵ ق).
 ۷. صفوه و اقتضاب و تلخیصی از اثر دوم به نام انتخاب الاقتضاب.
- نسخه‌های متعدد و گوناگونی از کل یا اجزای قانون در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، مجلس شورای ملی ایران، استانبول، پاریس، برلین، بانکپور و موزه‌های بریتانیا، رامپور، واتیکان، قاهره، کیمبریج و منچستر وجود دارد. در کتابخانه ملک چند نسخه خطی نگهداری میشود که کهنترین تاریخ کتابت آن ۵۹۱ ق است.
- کتاب قانون را ژراردوی کرمونایی در سال ۱۱۸۷ به لاتینی برگرداند. پیش از آن، این کتاب را به فرمان اسقف اعظم تولدو، ریموند، در ۱۱۵۱ م به لاتینی ترجمه کرده بودند. آندرتا آلیاکو در سال ۱۵۲۰ یا ۱۵۲۱ م اثر بوعلی را به لاتینی برگرداند. قانون در نیمه آخر قرن پانزدهم، شانزده بار و در قرن شانزدهم میلادی بیش از بیست بار تجدید چاپ شد.

ترجمه عبری کتاب مذکور را یوسف لورکی در سال ۱۴۹۱ م در ناپل انجام داد و در همان جا منتشر شد. کتاب قانون را ملا فتحالله فخرالدین شیرازی در ۱۳۰۶ ق به فارسی برگرداند و این ترجمه در لکنه‌ها چاپ شد. ترجمه‌ای دیگر نیز از مترجمی نامعلوم منتشر شده است.

از ترجمه ها و پژوهشهای متأخر نیز میتوان به نمونه هایی اشاره کرد:

۱. ترجمه کتاب اول قانون از کامرون گرونر.
 ۲. ترجمه قسمت تشریح الاعضاء از پ. دوکنینگ. وی مبحث مربوط به کلیه و مثانه را ترجمه کرده است.
 ۳. ترجمه فن سوم از کتاب سوم از هیرشبرگ و لیپر، [درباره بیماریهای چشم در سال ۱۹۰۲ م در آلمان منتشر شد].
 ۴. ترجمه کتاب پنجم از زونت هایمر.
 ۵. ترجمه قانون به فارسی از عبدالرحمان شرفکندی.
 ۶. ترجمه بخش تشریح از کوپینگ در سال ۱۹۰۰ م به فرانسه.
- دانشمندان دیگری چون برنیکف، میخائیلوسکی، اوس پنسکی، گوئرا، مهران و فرژه بلژیکی، کارا دو وو، گواشن و لوی گارده فرانسوی، وینتر و لانداور و ویدمانی آلمانی و نالتیو ایتالیایی؛ پژوهشهایی درباره قانون کرده‌اند. قانون نخست بار در شهر رم با کتاب النجاه بوعلی در دو مجلد، در سال ۱۵۹۳ م منتشر شد. پس از آن در سال ۱۲۹۰ ق در قاهره، در ۱۲۹۴ ق در بولاق (ممتازترین چاپ)، در ۱۲۹۶ ق در تهران، در سال ۱۳۰۷ و ۱۳۲۴ ق در لکنه، در سال ۱۹۰۵ م و با شرح فارسی آن در لاهور و کتاب چهارم قانون با شرح فارسیاش در سالهای ۱۲۷۴ و ۱۲۹۶ و ۱۲۹۸ ق در لکنه منتشر گردیده است.
- کتاب قانون را حدود سی بار به لاتینی ترجمه کرده‌اند. این کتاب تا قرن هفدهم میلادی در دانشگاه‌های اروپا مثل مون پلیه و لورن تدریس میشده است.

منابع

۱. ابوعلی سینا، قانون در طب، (کتاب دوم)، ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، انتشارات سروش، ۱۳۶۴ ش.
۲. الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران، ترجمه محسن جاویدان، اقبال، ۱۳۵۲ ش.
۳. جشننامه ابن سینا، انتشارات انجمن آثار ملی، ج ۲، ۱۳۴۴ ش.
۴. جنیدی، فریدون، کارنامه ابن سینا، انتشارات بلخ وابسته به بنیاد نیشابور، ۱۳۶۰ ش.
۵. حلبی، علی اصغر، تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز تا کنون، انتشارات زوار، ۱۳۸۱ ش.
۶. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴۱، ۱۳۷۰ ش.
۷. دانشنامه ایران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰.
۸. دانشنامه ایران و اسلام، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶، ج ۵.
۹. دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۱، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. دایره‌المعارف تشیع، ج ۱، ۱۳۶۹ ش.
۱۱. دایره‌المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، مؤسسه انتشارات فرانکلین، ج ۲، ۱۳۵۶ ش.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱ و ج ۱۰، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. دیباجی، سید ابراهیم، ابن سینا به روایت اشکوری و اردکانی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
۱۴. زندگینامه دانشمندان اسلامی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ۱۳۶۵ ش.
۱۵. سجادی، سید ضیاء الدین، فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی، تهران، انتشارات زوار، ج ۲، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. سردمدی، محمد تقی، پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان، انتشارات سردمدی، ج ۱، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، ج ۱ و ۳ و ۴، ۱۳۶۴ - ۱۳۶۹ ش.
۱۸. همو، جشننامه ابن سینا، انتشارات انجمن آثار ملی، ج ۱، ۱۳۳۱ ش.

۱۹. گوهرین، سید صادق، شرح احوال حجه الحق ابوعلی سینا، کتابخانه ایران.
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۶، ۱۳۷۵ ش.
۲۱. نفیسی، سعید، زندگی و کار و اندیشه و روزگار پورسینا، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۴ ش.
۲۲. نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)، فرهنگ نفیسی، شرکت سهامی چاپ رنگین، ج ۱ و ۲، ۱۳۲۱-۱۳۲۴ ش.